

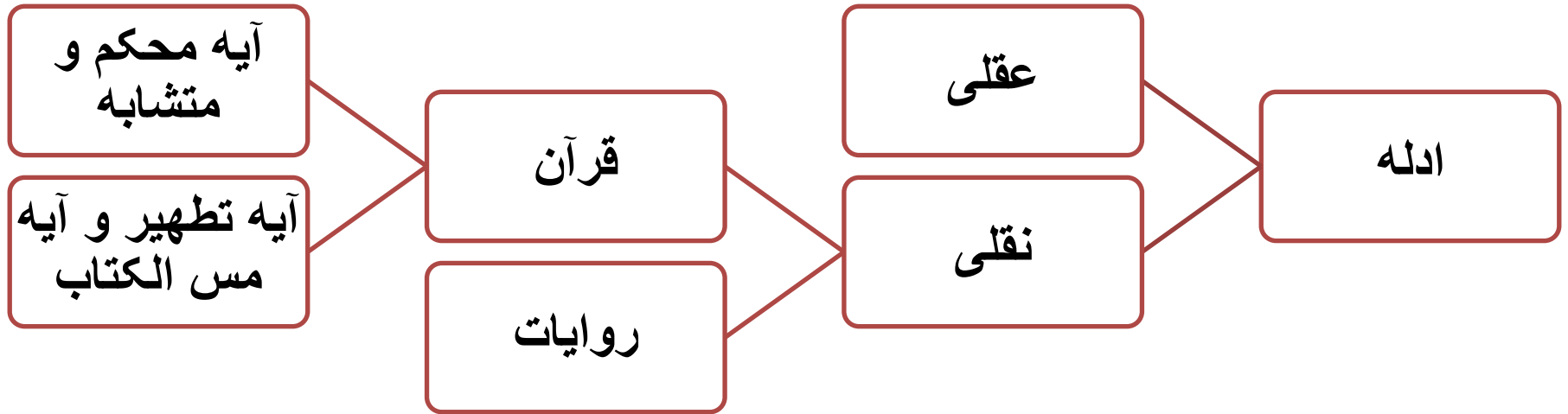
# علم أصول الفقه

۳۲

۱۱-۱۰-۹۱ مبادئ مختص تصديقي

دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

# سنت و قرآن، كلامی واحد



## سنت و قرآن، کلامی واحد

- آیات قرآن یکی از مستندهای ما برای اثبات این مطلب است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

## سنت و قرآن، کلامی واحد

- «هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمت هن ام الکتاب و اخر متشابهات فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ماتشابه منه ابتغاء الفتنه و ابتغاء تأویلہ و ما یعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم یقولون امنا به کل من عند ربنا و ما یذکر الا اولوا الالباب»
- [او است کسی که این کتاب را بر تو فرو فرستاد. پاره‌ای از آن، آیات محکم است. آنها اساس کتابند؛ و پاره‌ای دیگر متشابهاتند. اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است، برای فتنه جویی و طلب تأویل آن از متشابه پیروی می‌کنند، با آن که تأویلش را کسی جز خدا و ریشه داران در دانش نمی‌داند. (آنان که) می‌گویند: ما بدان ایمان آوردیم، همه از جانب پروردگار ما است، و جز خردمندان کسی متذکر نمی‌شود].
- آل عمران، ۶.

## سنت و قرآن، کلامی واحد

- علامه طباطبائی در ابتدا ضمن توضیح آیات محکم و متشابه و این نکته که آیات متشابه در پرتو آیات محکم تبدیل به محکم می‌شوند، به شرح معنای تأویل می‌پردازد:
- “و التأویل من الأول و هو الرجوع فتأویل المتشابه هو المرجع الذی یرجع إليه، و تأویل القرآن هو المأخذ الذی يأخذ منه معارفه”
- المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص: ۲۳

## سنت و قرآن، كلامى واحد

- فقد تبين بما مر:
- أولاً: أن كون الآية ذات تأويل ترجع إليه غير كونها متشابهة ترجع إلى آية محكمة.
- و ثانياً: أن التأويل لا يختص بالآيات المتشابهة بل لجميع القرآن تأويل فلا آية المحكمة تأويل كما أن للمتشابهة تأويلاً.

## سنت و قرآن، كلامى واحد

- و ثالثاً: أن التأويل ليس من المفاهيم التي هي مداليل للألفاظ بل هو من الأمور الخارجية العينية، و اتصاف الآيات بكونها ذات تأويل من قبيل الوصف بحال المتعلق،
- و أما إطلاق التأويل و إرادة المعنى المخالف لظاهر اللفظ، فاستعمال مولد نشأ بعد نزول القرآن لا دليل أصلاً على كونه هو المراد من قوله تعالى: وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ الْآيَةَ، كما لا دليل على أكثر المعاني المذكورة للتأويل مما سنقله عن قريب

## سنت و قرآن، کلامی واحد

- تأویل از کلمه‌ی اول یا اوّل به معنای ریشه و اصل گرفته شده است. علامه معتقد است تأویل رایج در بین مفسران، اصطلاحی است که بعدها پیدا شده و قرآن آن را به این معنا به کار نبرده است. در نظر مفسران تأویل همچون تفسیر از سنخ معنا است.
- در حالی که در قرآن، تأویل عبارت از ریشه و اصلی است که آیات قرآن از آن نشأت می‌گیرد. آیات قرآن - چه انشاء باشند و چه اخبار، چه محکم باشند و چه متشابه - از حقیقتی متناسب با خود برخوردارند و آن حقیقت و واقعیت همان تأویل قرآن است.



## سنت و قرآن، کلامی واحد

- این حقیقت و واقعیت ضرورتاً برای بشر با ابزارهای متعارف قابل ادراک نیست؛ بلکه حتی ممکن است برخی از آن از حوزه‌ی ادراکی عادی بشر خارج باشد؛
- سپس در حالی که معتقد است علم به تأویل در آیه به خداوند منحصر شده است و واو در «و الراسخون فی العلم» را در آیه‌ی شریفه، واو استیناف می‌داند، قایل است که نبی اعظم صلی الله علیه و آله همچون خداوند از تأویل آگاه هستند.

## سنت و قرآن، كلامى واحد

- و ظاهر الحصر كون العلم بالتأويل مقصورا عليه سبحانه و أما قوله: وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ، فظاهر الكلام أن الواو للاستيناف بمعنى كونه طرفا للترديد الذى يدل عليه قوله فى صدر الآية: فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ، و المعنى: أن الناس فى الأخذ بالكتاب قسمان: فمنهم من يتبع ما تشابه منه و منهم من يقول إذا تشابه عليه شىء منه: آمنا به كل من عند ربنا، و إنما اختلفا لاختلافهم من جهة زيغ القلب و رسوخ العلم.

## سنت و قرآن، كلامى واحد

- على أنه لو كان الواو للعطف و كان المراد بالعطف تشريك الراسخين فى العلم بالتأويل كان منهم رسول الله ص و هو أفضلهم و كيف يتصور أن ينزل القرآن على قلبه و هو لا يدرى ما أريد به و من دأب القرآن إذا ذكر الأمة أو وصف أمر جماعة و فيهم رسول الله ص أن يفرد بالذكر أولاً و يميزه بالشخص تشریفاً له و تعظيماً لأمره ثم يذكرهم جميعاً كقوله تعالى: «آمن الرسول بما أنزل إليه من ربه و المؤمنون»: البقرة - ٢٨٥، و قوله تعالى: «ثم أنزل الله سكينته على رسوله و على المؤمنين»: التوبة - ٢٦، و قوله تعالى: «لكن الرسول و الذين آمنوا معه»: التوبة - ٨٨، و قوله تعالى: «و هذا النبي و الذين آمنوا»: آل عمران - ٦٨، و قوله تعالى: «لا يخزي الله النبي و الذين آمنوا معه»: التحريم - ٨، إلى غير ذلك،

## سنت و قرآن، كلامى واحد

- فلو كان المراد بقوله: وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ، أنهم عالمون بالتأويل - و رسول الله ص منهم قطعاً - كان حق الكلام كما عرفت أن يقال:
- و ما يعلم تأويله إلا الله و رسوله و الراسخون في العلم، هذا
- و إن أمكن أن يقال: إن قوله في صدر الآية: هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ «إلخ» يدل على كون النبي عالماً بالكتاب فلا حاجة إلى ذكره ثانياً

## سنت و قرآن، کلامی واحد

- معصومان علیهم السلام به قرینه‌ی آیه‌ی تطهیر - «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» - و آیه‌ی مسّ قرآن - «لا یمسه الا المطهرون» - از مصادیق بارز عالمان به حقیقت قرآن هستند.

• . احزاب، ۳۳.

• . واقعه، ۷۹.

## سنت و قرآن، کلامی واحد

- چگونگی این برداشت به شرح زیر است:
- آیه‌ی تطهیر در بین مطالبی قرار گرفته که مربوط به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله است.
- در آنجا خداوند خطاب به همسران رسول اکرم از ضمائر جمع مخاطب مؤنث استفاده می‌کند، اما در آیه‌ی تطهیر، ضمیر «کم» که برای مخاطبان مذکر است، به جای ضمیر «کن» به کار رفته است.
- تغییر ضمیر نشان دهنده‌ی آن است که «اهل بیت» همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نیستند.

## سنت و قرآن، کلامی واحد

- از سوی دیگر روایات وارد در این زمینه، شأن نزول آیه را در مورد پنج تن - حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام و امام حسن و امام حسین علیهما السلام - معرفی می کند و بنا بر روایات دیگر، اهل بیت علیهم السلام تمامی معصومان هستند. بر اساس این آیه، اهل بیت علیهم السلام از هرگونه زشتی و پلیدی به دور هستند.

## سنت و قرآن، کلامی واحد

- در آیه‌ی مس قرآن، مسأله‌ی طهارت انسان برای تماس با قرآن مطرح شده است. بنا بر بحث فقهی موجود در این زمینه، اقل مراتب طهارت برای مس قرآن، طهارت ظاهری است. اما مس قرآن مراتبی دارد که کمترین مرتبه، تماس با خطوط قرآن است. مراتب بالاتر مس قرآن نیازمند به مراتب بالاتر طهارت است که متناسب با آن می‌باشد. بنا بر آنچه در آیه‌ی تطهیر بیان شد، اهل بیت علیهم السلام از بالاترین مراتب طهارت بهره‌مندند. پس به نهایت حقایق قرآن راه دارند.



## سنت و قرآن، کلامی واحد

- خلاصه آن که در نظر قرآن عالمان به حقیقت قرآن کسانی هستند که از حقیقت دین و تأویل قرآن با خبرند و آنها همان کسانی هستند که از هرگونه پلیدی به دورند و از مراتب بالای طهارت برخوردارند.

## سنت و قرآن، کلامی واحد

- بدون شک رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام مصداق بارز عالمان به حقیقت قرآن هستند؛ زیرا دارای نهایت مرتبه‌ی طهارت برای بالاترین مرتبه‌ی مس قرآن هستند.